

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

### رنسانس اسلامی و رنسانس غربی چه تفاوتی دارند؟

شیعیان در دوره عباسیان به یک ذهن روشمند در علوم رسیده بودند و از نگارش احادیث همچون اصول «أربعة مئة» که بدون باب بندی بود گذشته بودند و به اصول کافی مرحوم کلینی رسیده بودند که فهرست و طبقه‌بندی داشت. این ذهن روشمند زمانی که به علوم غربی رسید، توانست با علوم خارج از تمدن اسلامی، ارتباطی روشمند برقرار کند و در نتیجه منجر به رشد فزاینده علوم شد. این برخلاف باور برخی مستشرقان است که تمدن اسلامی را فقط مصرف‌کننده آن علوم می‌دانند.

به هر حال قرن ۴ و ۵ هجری در دوره تمدن عباسیان، عصر زرین علوم بود. مثلاً "آدم متز" در کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم می‌گوید که در این دوران، رنسانس اسلامی رخ داده است. توجه داشته باشید که این رشد علمی در جهان اسلام از قرن ۴ و ۵ هجری شکل می‌گیرد، در حالی که رنسانس غربی به معنای رشد علوم تجربی و طبیعی در قرون ۱۴ و ۱۵ در حال اوج گرفتن است. بعلاوه در هیچ‌کجای تاریخ اسلام وجود ندارد که به خاطر نظریات جدیدی پیرامون علوم تجربی و طبیعی، افراد کافر شمرده شوند و با آنها برخوردی سخت بشود، اما در غرب مسیحی، شاهد اتفاقات بسیاری از این دست هستیم. بنابراین تفاوت رنسانس اسلامی و رنسانس غربی در این است که پیش از رنسانس در غرب، علوم تجربی به علت هژمونی آموزه‌های مسیحی، سرکوب میشد، در حالی که علوم تجربی پیش از رنسانس اسلامی وجود داشت و با نهضت ترجمه، علوم بیشتری به جهان اسلام منتقل شد و زمینه‌ای را برای دانشمندان اسلامی فراهم کرد تا بتوانند با یافته‌های جدیدشان، موجب شکوفایی علم شوند.

### رویکرد مسلمانان به علم در نهضت ترجمه

علت روی‌بازی که مسلمانان در نهضت ترجمه به دانش وارداتی داشتند، وجود این تفکر است که هر علمی که قوام جامعه اسلامی به آن بسته است، جزو دانش‌های اسلامی خواهد بود و از علوم مفروضه اسلامی به شمار می‌آید. علوم مفروضه یعنی علومی که برای حفظ باور و زندگی انسان‌ها واجب و لازم است. بنابراین کسب هر علمی که قوام جامعه اسلامی به آن باشد، بر مسلمانان واجب تلقی می‌شده است. بنابراین تفسیر که قوام جامعه اسلامی به این علوم است و واجب تلقی شده است، این قبیل علوم، اسلامی دانسته می‌شدند و در نتیجه چنین رویکردی بود که علوم وارد به جهان اسلام رشد یافتند و شاهد رنسانس اسلامی بودیم.

در دوره عباسی اگر شاهد رشد علمی هستیم، به جهت آن است که مثلث تمدن شکل گرفته بود، یعنی سه گانه حاکمان، نخبگان، مردم به وضعیت مناسبی رسیده بود و علم نیز که قلب تپنده یک تمدن



محسوب میشود، به تبع حمایت خلفا و وزرای عباسی در حال رشد بود. البته انگیزه‌های مختلفی برای این حمایت گفته شده است که در جای خود، قابل بررسی است.

مرکز پژوهش‌های  
سیاست‌گذاری و  
تحقیقات  
مطالعات  
سیاست‌گذاری  
و تحقیقات  
مطالعات

